



مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم

پایان نامه دکترای رشته علوم قرآن و حدیث

عنوان:

نقد و بررسی مبانی و رویکرد سلطان محمد گنابادی در

تفسیر «بیان السعادة فی مقامات العبادة»

استاد راهنما:

دکتر محمد کاظم شاکر

اساتید مشاور:

دکتر احمد عابدی

دکتر سید رضامؤدب

نگارنده:

علی غفّارزاده

سال ۱۳۹۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم به

جان جانان

عصاره ی عالم امکان

سرمدی صاحب زمان «عج»

تشکر و سپاس

پس از حمد و سپاس بی پایان از خداوند کریم و حکیم ، تشکر و سپاس خویش را از سر تواضع و فروتنی از استاد راهنما جناب آقای دکتر محمد کاظم شاکر که با صبر و بردباری سطر به سطر این پایان نامه را مطالعه و گام به گام همراه و در کنار نگارنده بوده و با راهنماییهای راه گشا، یادآوری های قابل توجه، اشارات سازنده و با انگشت تامل و پرسش بسیاری از نارسایی های رساله را مرتفع نمود و نکته سنجی ها و دقت های عالمانه وی در سامان یافتن این رساله نقش اساسی داشته، اعلام می دارم. از استادان فرهیخته آقایان دکتر سید رضا مؤدب و دکتر احمد عابدی که با بزرگواری مشاوره این رساله را پذیرا شده و با یادآوری نکات و راهنمایی های ارزنده نویسنده را یاری کردند، بسیار سپاسگزارم. از مسئولان محترم تربیت مدرس نیز که با تلاش های پیوسته خویش فرصت تحصیلات تکمیلی را برای دانش پژوهان فراهم و به رشد و بالندگی فرهنگ و معرفت دینی کمک می کنند به خصوص جناب آقای دکتر محمد ذبیحی رئیس مرکز تربیت مدرس، سپاسگزاری می کنم.

همچنین از همسر فداکار و ایثارگرم و فرزندان عزیزم یاد و سپاس می کنم که با صبوری مداوم بستر مناسب و محیطی گرم و آرام را فراهم کردند که نظام معنا گسته نگردد و رشته اندیشه پاره نشود و این نوشته به سامان برسد.

چکیده

تفسیر «بیان السعاده فی مقامات العباده» نگاشته ی یکی از اقطاب متاخره ی صوفیه، سلطان محمد گنابادی ملقب به «سلطان علیشاه» است که در اوایل قرن چهاردهم، نگارش آن به پایان رسیده است. می توان گفت که این تفسیر نخستین تفسیر عرفانی شیعه است که در آن همه ی سُوَر و آیات قرآن کریم تفسیر شده است. علاوه بر این، تأویلات تطبیقی آیات قرآن بر اصطلاحات و آموزه های صوفیانه در این تفسیر بسیار برجسته است و در میان تفاسیر عرفانی شیعه یک پدیده ی نو ظهوری است. همچنین این تفسیر به لحاظ محتوای فلسفی و عرفانی و بکارگیری اصطلاحات صوفیانه و استناد به مطالب ذوقی صرف، در بسیاری موارد با ابهام و اغلاق قرین گشته است به طوری که درک روشن برای خواننده به سادگی حاصل نمی شود. از سوی دیگر، دیدگاه های مبالغه آمیز مفسر در باب «ولایت» و دگراندیشی های وی در باب اعتقاد به تحریف قرآن، تعدد نزول آیات قرآن و نمادین دانستن قصه های قرآن، بر مشکلات این تفسیر افزوده است.

نگارنده، کوشیده است در مرحله اوّل مبانی و گرایش های تفسیر ی گنابادی را استخراج و در عین حفظ امانت داری به صورت دسته بندی شده و روشن در اختیار مخاطبان قرار دهد و در مرحله ی بعدی با نقد و بررسی جدّی دیدگاه های انحصاری و غالباً متأثر از مشرب صوفی گرایانه ی وی، نشان دهد که این گونه نظریه ها در نزد متفکران و اندیشمندان شیعه و مکتب تشیع جایگاهی ندارد و انتسبات آنها به شیعه پذیرفتنی نیست. این رساله در یک مقدمه و سه فصل تنظیم یافته است. در مقدمه به روش کار نگارنده، پیشینه، ضرورت و محدودیت های تحقیق اشاره شده است. در فصل اوّل به کلیات و مباحثی همچون: تحصیلات، استادان، مشایخ مآذون و تأویلات سلطان محمد گنابادی، تاریخچه فرقه گنابادیه و اقطاب آن، پیشینه شناسی تفسیر عرفانی، مهمّترین تفاسیر عرفانی مکتوب تا قرن چهاردهم، تفسیر عرفانی شیعه در قرن چهاردهم، ویژگیهای «تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده»، منابع بیان السعاده، تأثیر بیان السعاده بر تفاسیر دوره های بعد و صحت انتساب تفسیر بیان السعاده به سلطان محمد گنابادی پرداخته شده است. فصل دوّم گزارشی است از مبانی زبان شناختی، مبانی عرفانی و فلسفی، و مبانی علوم قرآنی که نظرگاه های مفسر به طور تفصیلی بیان و مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در فصل سوّم رویکرد های عرفانی و اخلاقی، ادبی، کلامی و فقهی به بحث و بررسی گذاشته شده است و در پایان نتیجه گیری مفصلی از پژوهش پیش رو در اختیار خوانندگان عزیز قرار گرفته است.

کلیدواژه ها: بیان السعاده فی مقامات العباده، گنابادی، سلطان علیشاه، مبانی تفسیر، رویکردهای تفسیری، تفسیر عرفانی، تأویل تطبیقی، ظاهر و باطن، تنزیل و تأویل، ولایت، وحدت وجود

فهرست مطالب

مقدمه ۱

فصل اول: کلیات

۱.۱	ازیست نامه ی سلطان عیشاه گنابادی	۸
۱.۱.۱	آغاز تحصیلات دینی	۱۰
۱.۱.۲	آشنایی سلطان عیشاه با سعادت عیشاه	۱۱
۱.۱.۳	استادان سلطان عیشاه گنابادی	۱۲
۱.۳.۱	احکیم محقق حاج ملاهادی سبزواری	۱۳
۱.۳.۲	حاج محمد کاظم اصفهانی ملقب به سعادت عیشاه	۱۵
۱.۴	امشایخ مأذون از سوی سلطان عیشاه	۱۷
۱.۴.۱	امیرزا محمد صادق نمازی شیرازی	۱۷
۱.۴.۲	حاج ملا محمد بُرزکی	۱۷
۱.۴.۳	حاج شیخ عبدالله مازندرانی	۱۷
۱.۲	آشنایی با فرقه ی گنابادیه	۱۸
۲.۱	سلسله ی نعمت اللهیه ی ذوالریاستین یا مونس عیشاهی	۱۹
۲.۲	سلسله ی صفی عیشاهی	۲۰
۲.۳	سلسله ی گنابادیه یا سلطان عیشاهی	۲۱
۲.۳.۱	حاج ملا علی ملقب به نور عیشاه ثانی	۲۳
۲.۳.۲	حاج شیخ محمد حسن صالح عیشاه	۲۴
۲.۳.۳	حاج سلطان حسین تابنده	۲۴
۲.۳.۴	حاج علی تابنده	۲۵
۲.۳.۵	دکتر نور علی تابنده	۲۵
۱.۳	تالیفات سلطان عیشاه گنابادی	۲۶
۳.۱	سعادت نامه	۲۷
۳.۲	بیان السعاده فی مقامات العباده	۲۷
۳.۳	مجمع السعادات	۲۸
۳.۴	ولایت نامه	۲۸
۳.۵	بشارة المؤمنین	۲۹
۳.۶	تنبيه النائین	۳۰
۳.۷	توضیح	۳۱
۳.۸	ایضاح	۳۱
۱.۴	سیری در تاریخچه تفسیر و تفاسیر عرفانی و جایگاه بیان السعادة گنابادی	۳۲
۱.۵	تعریف و انواع تفسیر عرفانی	۳۲
۱.۶	پیشینه شناسی تفسیر عرفانی	۳۴

۳۷ ۱.۷ مهمترین تفاسیر عرفانی مکتوب
۳۷ ۱.۷.۱ تفسیر تستری یا تفسیر القرآن العظیم
۳۸ ۱.۷.۲ حقایق التفسیر
۴۰ ۱.۷.۳ لطایف الاشارات
۴۲ ۱.۷.۴ اکتشاف الاسرار و عدة الابرار
۴۳ ۱.۷.۵ عرائس البیان فی حقایق القرآن
۴۴ ۱.۷.۶ تفسیر القرآن الکریم (منسوب به ابن عربی)
۴۴ ۱.۷.۶.۱ آثار تفسیری ابن عربی
۴۵ ۱.۷.۶.۲ توضیحی در باره ی تفسیر القرآن الکریم منسوب به ابن عربی
۴۶ ۱.۷.۶.۳ روش و مبانی تفسیری ابن عربی
۵۰ ۱.۷.۷ التأویلات النجمیه
۵۱ ۱.۷.۸ اعجاز البیان فی تأویل امّ القرآن
۵۱ ۱.۷.۹ افول و خمول دانش تفسیر عرفانی
۵۲ ۱.۸ سیر تطور تفسیر عرفانی
۵۲ ۱.۸.۱ تفسیر المحيط الاعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم
۵۴ ۱.۸.۲ تفسیر القرآن الکریم (صدر ا)
۶۰ ۱.۸.۳ تفسیر عرفانی بعد از صدر المتألهین
۶۰ ۱.۸.۴ تفسیر عرفانی شیعه در قرن چهاردهم
۶۲ ۱.۹ معرفی اجمالی «بیان السعاده فی مقامات العباده» و جایگاه آن در تفاسیر عرفانی
۶۴ ۱.۹.۱ حقیقت قرآن و مراحل نزول آن
۶۶ ۱.۹.۲ پایان ناپذیری معانی قرآن
۶۸ ۱.۹.۳ چگونگی راه یابی به اشارات و لطایف قرآن
۷۲ ۱.۹.۴ مروری بر شیوه ی کار مؤلف تفسیر بیان السعاده
۷۴ ۱.۹.۵ ویژگیهای تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده
۷۶ ۱.۹.۶ منابع بیان السعاده فی مقامات العباده
۷۹ ۱.۹.۷ تأثیر بیان السعاده بر تفاسیر دوره های بعد
۸۱ ۱.۹.۸ صحت انتساب تفسیر بیان السعاده

فصل دوم: مبانی تفسیری «بیان السعاده فی مقامات العباده»

۸۴ مقدمه
۸۵ ۲.۱ مبانی زبان شناختی تفسیر بیان السعاده
۸۶ ۲.۱.۱ وجوه معانی قرآن (چند وجهی بودن قرآن)
۸۸ ۲.۱.۱.۱ ظاهر و باطن یا تنزیل و تأویل
۸۹ ۲.۱.۱.۱.۱ چستی بطن و نسبت آن با تأویل
۹۰ ۲.۱.۱.۱.۲ ظاهر و باطن یا تنزیل و تأویل از دیدگاه بیان السعاده
۹۳ ۲.۱.۱.۱.۳ مستند بطون قرآن و تفسیر بطن به مصادیق روحانی
۹۵ ۲.۱.۱.۱.۴ اقسام تأویل از دیدگاه بیان السعاده
۹۵ ۲.۱.۱.۱.۵ رابطه ی تفسیر و تأویل از نگاه بیان السعاده
۹۷ ۲.۱.۱.۱.۶ نمونه هایی از تأویلات و تفسیرهای بطنی بیان السعاده

- ۹۸ ۲.۱.۱.۱.۶.۱ تأویل ها و تفسیرهای بطنی مستند به روایات
- ۱۰۱ ۲.۱.۱.۱.۶.۲ تأویلات و تفسیرهای باطنی انفسی
- ۱۱۳ ۲.۱.۱.۱.۶.۳ نقد و بررسی
- ۱۱۵ ۲.۱.۱.۱.۶.۴ تأویل تطبیقی آیات بر آموزه های عملی صوفیان و مقامات سالکان
- ۱۱۵ ۲.۱.۱.۱.۶.۵ تأویل تطبیقی آیات بر «حضور و فکر» یا تمثّل و ظهور ملکوتی ولی امر و شیخ
- ۱۱۵ ۲.۱.۱.۱.۶.۵.۱ تعریف فکر و حضور
- ۱۱۷ ۲.۱.۱.۱.۶.۵.۲ نیابت از رسالت و ولایت در دوران غیبت کبری
- ۱۱۸ ۲.۱.۱.۱.۶.۶ چند نمونه از تأویل تطبیقی آیات بر «فکر» و «حضور»
- ۱۲۰ ۲.۱.۱.۱.۶.۷ نقد
- ۱۲۱ ۲.۱.۱.۱.۶.۸ تأویل تطبیقی آیات بر اجازه ی مشایخ ارشاد و نیازمندی سالک بر شیخ و مرشد
- ۱۲۲ ۲.۱.۱.۱.۶.۹ تأویل تطبیقی آیات بر وحدت در کثرت و کثرت در وحدت و جمع بین وحدت و کثرت
- ۱۲۴ ۲.۱.۱.۱.۶.۱۰ تأویل تطبیقی آیات بر نشئه ی سلوک و جذب
- ۱۲۴ ۲.۱.۱.۱.۶.۱۱ تأویل تطبیقی آیات بر مقام تقلید و تحقیق
- ۱۲۴ ۲.۱.۱.۱.۶.۱۲ تأویل آیات قرآن بر اسفار اربعه
- ۱۲۶ ۲.۱.۱.۱.۶.۱۳ نقد
- ۱۲۶ ۲.۱.۱.۲ گسترده گی و جوه قرآن بر حسب معانی عرضی یا استعمال لفظ در بیشتر از معنای واحد
- ۱۲۸ ۲.۱.۱.۲.۱ دیدگاه تفسیر بیان السعادة درباره ی ساختار چند معنایی عرضی آیات قرآن
- ۱۳۲ ۲.۱.۱.۲.۲ نقد
- ۱۳۳ ۲.۱.۱.۳ گسترده گی و جوه قرآن بر حسب لفظ
- ۱۳۴ ۲.۱.۱.۳.۱ دیدگاه مفسّر بیان السعادة
- ۱۳۶ ۲.۱.۱.۳.۲ نقد
- ۱۳۷ ۲.۱.۲ عمومیت معانی الفاظ آیات قرآن کریم
- ۱۳۸ ۲.۱.۲.۱ توسعه و تعمیم در معنای "اکل":
- ۱۳۹ ۲.۱.۲.۲ توسعه و تعمیم معنای «رزق»
- ۱۳۹ ۲.۱.۲.۳ توسعه و تعمیم در معنای هجرت و جهاد
- ۱۴۰ ۲.۱.۲.۴ توسعه و تعمیم در معنای نعمت
- ۱۴۱ ۲.۱.۲.۵ توسعه و تعمیم در معنای «ارض»
- ۱۴۲ ۲.۱.۲.۶ توسعه و تعمیم در معنای «مسجد»
- ۱۴۳ ۲.۱.۲.۷ توسعه و تعمیم در معنای نماز
- ۱۴۵ ۲.۱.۲.۸ توسعه و تعمیم در معنای سُکر و مستی
- ۱۴۵ ۲.۱.۲.۹ توسعه و تعمیم در معنای «آیات»، «کتاب» و «إنزال»
- ۱۴۶ ۲.۱.۲.۱۰ تعمیم در معانی الفاظ «عمل»، «تجارت»، «مصیبت»، «فتح» و «تطهیر»
- ۱۴۶ ۲.۱.۳ زبان داستان های قرآن کریم از نظر مفسّر بیان السعادة
- ۱۴۹ ۲.۱.۳.۱ نمونه هایی از رمزی بودن قصّه های قرآن از دیده گاه بیان السعادة
- ۱۴۹ ۲.۱.۳.۱.۱ داستان حضرت آدم و حوّا و فرزندانشان
- ۱۵۳ ۲.۱.۳.۱.۲ داستان پادشاهی حضرت سلیمان در انگشتری
- ۱۵۵ ۲.۱.۳.۱.۳ حکایت هاروت و ماروت و رمزهای آن
- ۱۵۶ ۲.۱.۳.۱.۴ داستان حضرت ابراهیم علیه السلام و زنده کردن پرندگان

۱۵۷داستان یاجوج و ماجوج..... ۲.۱.۳.۱.۵
۱۵۸نقدکلی..... ۲.۱.۳.۲
۱۵۹ ۲.۳ مبانی عرفانی و فلسفی تفسیر بیان السعاده.....
۱۵۹مقدمه.....
۱۶۰ ۲.۳.۱ سایه ی وحدت وجود بر تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده.....
۱۶۰ ۲.۳.۱.۱ پیشینه شناسی وحدت وجود.....
۱۶۳ ۲.۳.۱.۲ معنا شناسی وحدت وجود.....
۱۶۶ ۲.۳.۱.۳ وحدت وجود در تفاسیر عرفانی.....
۱۶۸ ۲.۳.۱.۴ وحدت وجود در تفسیر بیان السعاده.....
۱۷۱ ۲.۳.۱.۴.۱ استشهاد و استناد به آیات قرآن برای اثبات وحدت وجود.....
۱۷۳ ۲.۳.۱.۴.۲ تأویل تطبیقی آیات قرآن بر وحدت وجود.....
۱۷۳ ۲.۳.۱.۴.۲.۱ «أخذ به ناصیه» بر وحدت وجود.....
۱۷۴ ۲.۳.۱.۴.۲.۲ «وقضى ربك» بر وحدت وجود.....
۱۷۶ ۲.۳.۱.۴.۲.۳ تفسیر الله به اولیاء و ائمه عليهم السلام به ویژه علی علیه السلام.....
۱۸۳ ۲.۳.۲ ولایت در تفسیر بیان السعاده.....
۱۸۳ ۲.۳.۲.۱ معنا و مفهوم ولایت.....
۱۸۴ ۲.۳.۲.۲ دیدگاه سلطان علیشاه گنابادی درباره ولایت.....
۱۸۴ ۲.۳.۲.۳ حقیقت ولایت.....
۱۸۵ ۲.۳.۲.۴ معنا و اطلاقات و اقسام ولایت.....
۱۸۶ ۲.۳.۲.۵ ولایت انبیاء و ائمه هدی عليهم السلام.....
۱۸۷ ۲.۳.۲.۶ رابطه نبوت، رسالت و ولایت.....
۱۸۸ ۲.۳.۲.۷ ولایت در عرف خاص.....
۱۹۱ ۲.۳.۲.۸ نقد.....
۱۹۴ ۲.۳.۲.۹ تأویل تطبیقی آیات بر ولایت.....
۱۹۵ ۲.۳.۲.۹.۱ تفسیر و تأویل «الله» و «رب» به ولایت.....
۱۹۶ ۲.۳.۲.۹.۲ تأویل ربّ به ربّ مضاف.....
۱۹۸ ۲.۳.۲.۹.۳ تفسیر و تأویل کلمات محوری قرآن به ولایت.....
۱۹۹ ۲.۳.۲.۹.۴ تأویل و تفسیر ایمان، کفر، شرك و نفاق به ولایت و انکار ولایت.....
۲۰۱ ۲.۳.۲.۹.۵ تفسیر و تأویل الفاظ دالّ بر معانی عام بر ولایت.....
۲۰۴ ۲.۳.۳ مراتب عالم وجود و تطابق عالم کبیر و صغیر.....
۲۰۴ ۲.۳.۴ مراتب وجود.....
۲۰۹ یاد آوری نکاتی چند پیرامون عوامل.....
۲۱۱ ۲.۳.۵ تطابق عالم کبیر و عالم صغیر.....
۲۱۵ ۲.۴ مبانی علوم قرآنی تفسیر بیان السعاده.....
۲۱۵مقدمه.....
۲۱۷ ۲.۴.۱ نسخ.....
۲۱۷ ۲.۴.۱.۱ معنا شناسی نسخ.....
۲۱۹ ۲.۴.۱.۲ آیات منسوخ از منظر مفسر بیان السعاده.....

۲۲۰ ۲.۴.۲ سبب نزول در تفسیر بیان السعاده
۲۲۲ ۲.۴.۳ ارتباط و تناسب آیات قرآن در تفسیر بیان السعاده
۲۲۳ ۲.۴.۳.۱ معنا شناسی
۲۲۳ ۲.۴.۳.۲ تناسب آیات در نگاه اندیشوران
۲۲۴ ۲.۴.۳.۳ ارتباط و تناسب آیات در تفسیر بیان السعاده
۲۲۵ ۲.۴.۳.۴ وجوه ارتباط بین آیات
۲۲۵ ۲.۴.۳.۴.۱ ارتباط با حروف عطف
۲۲۶ ۲.۴.۳.۴.۲ ارتباط به صورت تعلیل بودن آیات بعد برای آیات قبل
۲۲۷ ۲.۴.۳.۴.۳ ارتباط از طریق پاسخ پرسش مقدر
۲۲۸ ۲.۴.۴ تفسیر بیان السعاده و اعتقاد به تحریف قرآن کریم
۲۲۹ ۲.۴.۴.۱ معنا شناسی تحریف
۲۳۰ ۲.۴.۴.۲ اقسام تحریف
۲۳۱ ۲.۴.۴.۳ دیدگاه تفسیر بیان السعاده درباره ی تحریف قرآن
۲۳۲ ۲.۴.۴.۳.۱ روایات دال بر تحریف
۲۳۷ ۲.۴.۴.۳.۲ عدم جمع آوری قرآن در زمان پیامبر (ص)
۲۳۹ ۲.۴.۵ دیدگاه تفسیر بیان السعاده درباره «تفسیر به رأی»
۲۴۰ ۲.۴.۵.۱ دیدگاه برخی از اندیش وران درباره ی تفسیر به رأی
۲۴۱ ۲.۴.۵.۲ دیدگاه بیان السعاده درباره ی «تفسیر رأی»

فصل سوم: گرایش ها و رویکردهای تفسیر بیان السعاده

۲۴۶ ۳.۱ گرایش ها و رویکردهای تفسیری بیان السعاده
۲۴۶ ۳.۲ روش های تفسیری (METHODS OF INTERPRETATION)
۲۴۸ ۳.۳ سبک های تفسیری (STYLES OF INTERPRETATION)
۲۴۸ ۳.۴ گرایش ها یا رویکردهای تفسیری (APPROACHES TO INTERPRETATION)
۲۴۹ ۳.۵ گرایش های تفسیری بیان السعاده فی مقامات العباده
۲۴۹ ۳.۵.۱ گرایش عرفانی و اخلاقی
۲۵۰ ۳.۵.۱.۱ سفرهای چهارگانه ی سیر و سلوک
۲۵۱ ۳.۵.۱.۱.۱ دیدگاه تفسیر بیان السعاده درباره ی سفرهای چهارگانه
۲۵۸ ۳.۵.۱.۱.۲ تفسیر آیات قرآن بر اساس سفرهای چهارگانه
۲۶۱ ۳.۵.۱.۲ لطایف اخلاقی و عرفانی در بیان السعاده
۲۶۲ ۳.۵.۱.۲.۱ مرگ و حیات مداوم برای انسان
۲۶۳ ۳.۵.۱.۲.۲ مقایسه مقام حضرت موسی (ع) و حضرت محمد (ص)
۲۶۳ ۳.۵.۱.۲.۳ صدق و کذب گفتاری، افعالی و احوالی
۲۶۵ ۳.۵.۱.۲.۴ متعدد بودن انواع انسان بر حسب باطن
۲۶۶ ۳.۵.۱.۲.۵ تقوا و مراتب آن
۲۶۶ ۳.۵.۱.۲.۵.۱ مراحل تقوا
۲۶۶ ۳.۵.۱.۲.۵.۱.۱ مرحله ی قبل از اسلام
۲۶۷ ۳.۵.۱.۲.۵.۱.۲ مرحله ی بعد از اسلام و قبل از ایمان
۲۶۷ ۳.۵.۱.۲.۵.۱.۳ مرحله ی بعد از ایمان

۲۶۸ ۳.۵.۱.۳ هشدار باش های اخلاقی و واعظانه ی مفسر بیان السعاده
۲۷۳ ۳.۵.۲ گرایش و رویکرد ادبی
۲۷۳ ۳.۵.۲.۱ گرایش و رویکرد ادبی تفسیر بیان السعاده
۲۸۳ ۳.۵.۳ گرایش و رویکرد کلامی تفسیر بیان السعاده
۲۸۴ ۳.۵.۳.۱ امامت
۲۸۸ ۳.۵.۳.۲ عصمت پیامبران
۲۸۸ ۳.۵.۳.۳ جبر و اختیار در تفسیر بیان السعاده
۲۹۴ ۳.۵.۳.۴ رجعت
۲۹۵ ۳.۵.۳.۵ خلود اهل جهنم
۲۹۷ ۳.۵.۳.۶ رؤیت خداوند
۲۹۸ ۳.۵.۴ گرایش و رویکرد فقهی بیان السعاده
۲۹۸ ۳.۵.۴.۱ حرمت استعمال تریاک
۲۹۹ ۳.۵.۴.۲ نجاست عرَضی اهل کتاب
۳۰۰ ۳.۵.۴.۳ جواز ازدواج موقت با زنان اهل کتاب
۳۰۰ ۳.۵.۴.۴ محرم نشدن مادر دختر صغیره ی غیر قابل تمتع با عقد موقت
۳۰۱ ۳.۵.۴.۵ حرام بودن مسافرت در روز جمعه
۳۰۱ ۳.۵.۴.۶ تحقیق درباره ی امر به معروف و نهی از منکر و موارد آن
۳۰۲ ۳.۵.۴.۷ تحقیق پیرامون ارتداد
۳۰۶ نتیجه گیری
۳۱۱ منابع و مأخذ

مقدمه

بدون تردید قرآن کریم گران سنگ ترین و مانا ترین مائده ی وحیانی است که از قلب ملکوت آسمان بر پهنه ناسوت زمین فرود آمده و گهربارترین پیام را به ارمغان آورده است. قرآن نخستین سرچشمه و منبع اصیل اسلام در قلمروهای مختلف به شمار می رود که در صفحه ی ذهن و صحنه ی زندگی مسلمانان بیش از هر کتاب دیگری حضور داشته و نقش آفرینی می کند. این شعاع پایدار وحی هزار و چهارصد و اندی است که بر رواق اندیشه ها و گستره ی نیاز جوامع بشری می تابد و گذشت زمان و پیشرفت های علمی بشر، نه تنها از درخشش نور وحی نکاسته، بلکه بر جلوه های آن افزوده است، چه اینکه قرآن کلام خداوند حکیم است.^۱

قرآن دروازه های فراخ رشد و سازندگی را پیش روی بشریت می گشاید و می توان گفت هرانگاره و پدیده ی مفیدی که در گوشه ای از فانوس شکسته جام بشریت سوسو می زند، بطور مستقیم یا غیرمستقیم ریشه در انوار و حقایق قرآن دارد. قرآن سفره ی گسترده ی پایان ناپذیری است که معلومات بشری در برابر تابش انوار و حیانی آن بسی، کم نور است. گر چه قرآن نور و روشنگر همه ی تاریکی هاست : « یا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا » (نساء/ ۱۷۴)؛ « قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ » (مائده/ ۱۵)، لیکن نوری است ثقیل و وزین : « إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا » (مزمّل/ ۵) و بر اساس سخن رسول خدا (ص) شگفتی های قرآن غیر قابل شمارش است و گذر زمان از طراوت و شادابی آن نمی کاهد؛ لَا تُحْصِي عَجَائِبُهُ وَ لَا تُبْلِي غَرَائِبُ^۲.^۲ بدین جهت برای آشنایی با چنین نور وزینی و شگفتی های بی پایان چاره ای جز رجوع به صاحبان بصیرت و بینش عمیق علمی نیست. از این رو ضرورت تفسیر بر صاحبان فکر و اندیشه پوشیده نیست و به همین دلیل تفسیر قرآن همزمان با نزول وحی آغاز گشت. اولین مفسر قرآن حضرت رسول اکرم (ص) بود و این رسالتی بود که از سوی حق تعالی بر عهده ی وی گذاشته شده بود: « وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ » (نحل/ ۴۴). آنگاه مفسران حقیقی قرآن، اهل بیت علیهم السلام هستند؛ زیرا که آنان گنجینه های علوم اولین و آخرین،^۳ و ارثان علم نبی^۴ و ثقل اصغر^۵ می باشند. جایگاه رفیع قرآن موجب گشت تا کشش ها و کوشش های عالمان و پژوهش گران را به خود معطوف ساخته و انبوهی از نگاشته ها و تفاسیر با گرایش ها و رویکردهای تفسیری متفاوت در آستانه ی قرآن شکل گیرد. بخشی از آثار و تفاسیر مکتوب با رویکرد عرفانی و صوفیانه به تفسیر قرآن پرداخته که به « تفاسیر

۱ - الرِّبَابُ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فَصَّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ (هود/ ۱)؛ وَ إِنَّكَ لَتَلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ (نمل/ ۶)

۲ - الکافی، ج ۲، ص ۵۹۹

۳ - نَحْنُ خَزَانُ عِلْمِ اللَّهِ وَ نَحْنُ تَرَاجِمُهُ وَحِي اللَّهِ (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۲)

۴ - فَتَحْنُ الَّذِينَ اصْطَفَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَوْزَنَّا هَذَا الَّذِي فِيهِ بَيِّنَاتٌ كُلُّ شَيْءٍ (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۶)؛ فَإِنْ مُحَمَّدًا ص كَانَ أَمِينًا لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ فَلَمَّا

قُبِضَ ص كُنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَثَتَهُ (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۳)

۵ - إِيَّاي تَارَكَ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنْهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ (بحار الأنوار ج :

ص ۲ : ۱۰)

عرفانی» یا «صوفیانه» نامبردار شده اند. مفسران عرفانی بر حسب مراتب فهم و استعداد خویش باطن و پرده های پسین قرآن را که حاوی گوهرهای گران قدری است، رصد می کنند و این جز با غواصی صیادان تیزبین و چالاک امکان پذیر نیست. گفتنی است با اینکه زبان قرآن، زبان صامت است، لیکن مفسران عرفانی با تدبیر و تعمق آن را به نطق در می آورند و دانسته های بی پایانی را از آن استخراج می نمایند: «ذلک القرآن فاستنطقوه؛ آن کتاب خداست، آن را به نطق و سخن در آورید»^۱. از این رو، هر چه فهم چالاک تر و تدبیر و تعمق ژرف تر شود دسترسی به گنجینه های گران سنگ تر، میسر خواهد بود. نگرش عارفانه به قرآن کریم رهیافت جدیدی نیست، بلکه در جستجوی سرچشمه های آغازین تفسیر عرفانی، می توان گفت که از سپیده دم طلوع وحی الهی، برخی از آیات قرآن، جان و ذهن شیفتگان حقایق و اسرار ازل را متوجه خود نموده و بستر نخستین رویکرد عرفانی را فراهم ساخت. سخن پل نویای مستشرق و پژوهشگر زبان عرفانی قرآن، سنجیده به نظر می رسد: «در اسلام همه چیز از قرآن آغاز می شود و همه چیز باید به قرآن باز گردد و اگر چنین نباشد، اگر کفر غیر قابل تحمل نباشد، دست کم بدعت مشکوکی است»^۲.

از سوی دیگر احادیث نبوی و علوی زیادی در دست داریم که بیانگر ظاهر و باطن داشتن قرآن است که خود به تفسیر عرفانی و لطایف و اشارات قرآن رهنمون می شود، و نیز روایاتی در اختیار است که نشان می دهد پیامبر بزرگ اسلام، اسرار قرآن را به خواص آموزش می داد و صحابه دست به تفسیر عرفانی می زدند.^۳ از این رو، آبخور رویکرد عرفانی در تفسیر قرآن، چیزی جز قرآن و احادیث نبوی و علوی نیست. عصر پیامبر (ص) و صحابه در میان عارفان عصر تابعین، گرایش به تفسیر عرفانی ادامه یافت، آنگاه تفسیر عرفانی گسترش پیدا نموده و مجموعه های گوناگون و متفاوتی با رویکرد تفسیر عرفانی در آغاز به صورت شفاهی و به تدریج به صورت مکتوب تدوین گردید.

رد پای تفاسیر مکتوب عرفانی را می توان از قرن سوم به بعد جستجو نمود و آنگاه تفاسیر عرفانی ارزشمندی سامان یافت. پرشکوه ترین دوره ی تفسیر اشاری، زمان ابن عربی است. در این قرن، یعنی قرن هفتم، متون کلاسیک عرفانی رخ بر نمود و تفسیر عرفانی شاهد تحولات چشم گیری شد. بعد از ابن عربی شاگردان وی این مسیر را ادامه داده و مجموعه های از دقیق ترین و ژرف ترین آثار عرفانی در تأویل قرآن تدوین گردید، لیکن دانش عرفانی بعد از ابن عربی گرفتار خمول و افول شده و مفسران عرفانی تحت تأثیر افکار عرفان نظری و وحدت وجود وی بوده و باز تاب های اندیشه ی ایشان در این تفاسیر به وضوح مشاهده می گردد. از این رو، تفسیر عرفانی در فرهنگ اهل سنت اصالت خود را از دست داد و مفسری اصیل با اندیشه جدید پرورش پیدا نکرد. دردوره ای که گرایش به تفسیر عرفانی در حوزه ی اهل سنت رو به افول می رفت، جریان دیگری در حوزه ی فرهنگ شیعه شکل گرفت و رو به بالندگی گذاشت. این جریان هر چند

۱ - نهج البلاغه خطبه ۱۵۸

۲ - پل نو، تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، ترجمه اسامعیل سعادت، ص ۱۸

۳ - جهت اطلاع بیشتر درباره نقش قرآن و احادیث در تفسیر باطن بنگرید: مبحث پیشینه شناسی تفاسیر عرفانی همین پایان نامه. التفسیر و المفسرون ذهبی، ج ۲، ص ۳۵۶ - ۳۵۳؛ تفسیر و مفسران، ج ۲، ص ۳۶۹ - ۳۶۸؛ مکتب اشاراتی، ص ۲۵ - ۱۹

مبانی مشترکی با تفاسیر عرفانی پیشین داشت، لیکن از آبشخور دیگری تغذیه می نمود و بنیادهای فکری خود را بر سفره ی اهل بیت علیهم السلام گسترده بود. پرشکوه ترین دوره ی تفسیر عرفانی در فرهنگ شیعه زمان علامه سید حیدر آملی (م ۷۸۹ق) است. آنگاه ملاصدرای شیرازی (م ۱۰۵ق) با تأسیس حکمت متعالیه و بارویکرد عرفانی در این عرصه قدم نهاد و تفسیر گران قدری از خود به یادگار گذاشت. حقیقت این است که بعد از ملاصدرا مفسر صاحب مکتب به چشم نمی خورد و تنها به شرح و توضیح و تقریر اندیشه های صدرالمتألین اکتفاء می شد، به ویژه قرن دروازه و سیزدهم که بطور کلی از نظر تفسیر و فعالیت های علوم قرآنی از قرون نا موفق به شمار می رود. اما قرن چهاردهم، قرن بازگشت به قرآن است و می توان آن را عصر قرآن و تفاسیر نامگذاری کرد؛ تفاسیر متنوع و متعددی در جهان اسلام به ویژه در دنیای تشیع پدیدار گشت. گونه گونی و دگردیسیها و تغییراتی که در گرایش ها و روش های تفسیر رخ نمود، شاید در خود سنجش با هیچ قرنی نباشد. در این قرن به موزات تفاسیری که با گرایش های مختلف به رشته ی نگارش در آمد، مفسرانی نیز بارویکرد عرفانی و معنوی قرآن را مورد توجه قرار دادند و راه پیشینیان از جمله سید حیدر آملی و ملاصدرا را احیاء نمودند که از جمله ی آنها تفسیر «بیان السعاده فی مقامات العباده» می باشد. می توان گفت بیان السعاده نخستین تفسیر عرفانی و صوفیانه در حوزه ی فرهنگ شیعه است که همه ی سوره و آیات قرآن کریم از اول تا آخر بصورت کامل در آن تفسیر شده است. گنابادی نگاه نسبتاً همه جانبه و جامع به ابعاد و زوایای پیدا و پنهان کلام الهی دارد که مستلزم اشتراکات با سایر تفاسیر عرفانی است، اما دانسته های علمی و گرایش های فکری مؤلف، تفسیر وی را از ویژگی های مختص برخوردار نموده و از سایر تفاسیر عرفانی متمایز ساخته است. با چشم پوشی از برخی ادعاهای بدون مستند و ذوقی و در مواردی رمز گونه و غیر قابل فهم، نکات ادبی، تحلیل های فلسفی و به ویژه تأملات ارزشمند و ابتکاری بسیار دقیق و ظریف عرفانی در آن یافت می شود که در تفاسیر عرفانی گذشته کمتر به چشم می خورد و مؤلف، مطالب نو و ابتکاری خویش را مرهون اشارات قرآن و تأویلات اخبار می داند.^۱

تفسیر گنابادی به لحاظ محتوای فلسفی و عرفانی و بکارگیری اصطلاحات صوفیانه و استناد به مطالب ذوقی صرف، بسیار مشکل و مغلق است و نگاه های سطحی و عمومی ناتوان از فهم مقصد نویسنده ی آن خواهد بود. از این رو ذهبی بر این باور است که ادراک معانی این تفسیر و فهم مراد و مرام نویسنده ی آن بسیار سخت است و بعد از چندین مرتبه مطالعه، باز ذهن وی از دریافت مفاهیم آن احساس خستگی و ناتوانی می کند.^۲

از سوی دیگر، این تفسیر در میان تفاسیر عرفانی شیعه یک پدیده ی نو ظهوری است و شاید بتوان گفت آن چیزی که در این تفسیر بسیار برجسته رخ برنموده و در تاریخ شیعه سابقه نداشته، تأویل تطبیقی آیات قرآن کریم بر اصطلاحات و آموزه های صوفیانه مانند تمثّل و ظهور ملکوتی ولیّ امر و شیخ، بیعت عامّه و خاصه، نیابت خاصّه ی صوفیان از ائمه علیهم السلام، اجازه ی مشایخ ارشاد و نیازمندی سالک بر شیخ و

۱- ک: مقدمه تفسیر بیان السعاده

۲- عبارت ذهبی چنین است فکتیرا ما قرأت فیہ العبارة المره بعد المره، و لا أخرج منها إلا بالمعنی القاصر المبتور، بعد أن یرتد إلى البصر خاسئا و هو

حسیر، و یرجع الذهن عاجزا عن الفهم و هو کلّیل (التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۲۰۰ - ۱۹۹)

مرشد و مواردی از این دست می باشد. دیدگاه‌های مبالغه آمیز و ناصواب وی در باب « ولایت » و خطاهای فاحش و غیر قابل پذیرش وی مانند اعتقاد به تحریف قرآن، تعدد نزول آیات قرآن و نمادین دانستن قصه های قرآن بر مشکلات این تفسیر افزوده است. از این رو، نگارنده، تلاش کرده تا به قدر وسع و توانایی خویش، مبانی و گرایش های تفسیری گنابادی را استخراج و در عین حفظ امانت داری به صورت دسته بندی شده و روشن در اختیار مخاطبان قرار دهد. همچنین نگارنده سعی نموده با نقد و بررسی جدی دیدگاه‌های انحصاری و غالباً متأثر از مشرب صوفی گرایانه ی وی، نشان دهد که این گونه نظریه ها در نزد متفکران و اندیشمندان شیعه و مکتب تشیع جایگاهی ندارد و انتسبات آنها به شیعه پذیرفتنی نیست. ملاحظه و تأمل در نکات مذکور بایسته و شایسته بودن پژوهش پیرامون این تفسیر را روشن و آشکار می سازد.

در ادامه یادآوری نکاتی چند، می تواند درباره نگاشته ی پیش رو راه گشا باشد: ۱- با وجود اینکه حدود یک قرن از نگارش تفسیر بیان السعاده سپری شده، لیکن از سوی نویسندگان و پژوهشگران تجزیه و تحلیل و نقد و بررسی مستوفی و مستقل درباره آن صورت پذیرفته است و داوری ها درباره ی آن استطرادی است. آقا بزرگ تهرانی در جلد سوم «الذریعه» فقط به شرح حال مؤلف این تفسیر پرداخته و در باره ی صحت انتساب آن به گنابادی شک و تردید ایجاد کرده است.^۱ می توان گفت در میان نویسندگان محمد حسین ذهبی در باره ی وی نسبتاً به تفصیل سخن رانده است. وی در جلد دوم کتاب «التفسیر و المفسرون» در مبحث «اهم کتب التفسیر عند الامامیه اثنی عشریه» به بحث و بررسی پیرامون این تفسیر پرداخته است، لیکن کاملاً جانبدارانه است و دیدگاه‌های گنابادی را بهانه ای قرارداده است برای متهم کردن شیعه به عقاید باطل، و سعی کرده که دیدگاه‌های گنابادی را دیدگاه اندیشوران شیعه تلقی کند.^۲ سید محمد علی ایازی در کتاب «المفسرون حیاتهم و منهجهم» در باره ی زندگی مؤلف، آثار و مؤلفات وی، معرفی اجمالی تفسیر بیان السعاده و روش تفسیری آن با رعایت عدل و انصاف سخن رانده است.^۳ عبد الوهاب شاهرودی در فصل هشتم کتاب «ارغنون آسمانی» با عنوان «تفاسیر قرن سیزدهم تا پانزدهم» و عبدالرحیم عقیقی بخشایشی در کتاب «طبقات مفسران شیعه» در مبحثی با عنوان «تفاسیر قرن چهاردهم» گزارش مختصری از این تفسیر و زندگی نویسنده ی آن کرده اند.^۴ برخی از نویسندگان نیز فقط به معرفی شناسنامه ای این تفسیر و مؤلف آن پرداخته اند.^۵ نگاشته های هم که از سوی طرفداران و اقطاب سلسله فرقه ی گنابادیه به رشته تحریر در آمده است مانند سلطان حسین تابنده در کتاب «نابغه ی علم و عرفان»^۶ و در مقدمه ی چاپ دوم تفسیر بیان السعاده،^۷ مقاله ی نادر علی عادل با عنوان «تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده للعارف الشهد

۱ - ر.ک: ج ۳، ص ۱۸۱-۱۸۳

۲ - ر.ک: التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۲۳۵-۲۰۱

۳ - ر.ک: ص ۲۱۲-۲۱۸

۴ - ر.ک: ارغنون آسمانی، ۲۲۱-۲۲۹؛ طبقات مفسران شیعه، ص ۸۲۵

۵ - ر.ک: معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۴۴ شهیدی صالحی، عبدالحسین، تفسیر و تفاسیر شیعه، ۳۲۸-۳۲۹؛ علوی مهر، حسین، روشها و

گرایش های تفسیری، ۲۲۷؛ مؤدب، سید رضا، روشهای تفسیر قرآن، ص ۲۶۸

۶ - ص ۲۲۶-۲۲۹

۷ - ص الف-ید

السلطان محمدالجنابذی الملقب بسلطان علی شاه»^۱ و مقاله ی شهرام پازوکی با عنوان «بیان السعاده فی مقامات العباده»^۲، به شدت جانبدارانه و حتی بدیهی ترین خطاها و اشتباهات این تفسیر نادیده گرفته شده است. از این رو، آرزوی نگارنده که دوست داشت کار جدید و نوی انجام داده باشد تا از ملال تکرار بکاهد و برشادی و نشاط روح بیفزاید و از سوی دیگر در خدمت به آستان قران و وحی آسمانی باشد، در این نگاشته محقق گردید. ۲- رساله ای که با عنوان «نقد و بررسی مبانی و رویکردهای تفسیری بیان السعاده فی مقامات العباده» پیش روی شماست، حاصل تلاش دو سال مستمر و مداوم است که نگارنده چندین بار این تفسیر را به ترتیب از اول تا آخر با دقت و تأمل مطالعه کرده و موضوعات مرتبط با موضوع را استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. افزون بر آن، در هر مبحثی، موضوعات بصورت موردی در تفسیر بیان السعاده و سایر آثار گنابادی مورد جستجو قرار گرفته است. شاید بتوان گفت در جهت شناسایی، تحلیل و نقد و بررسی مبانی و رویکردهای تفسیری بیان السعاده اولین است اما آخرین گام نیست اما گامی است از سردقت و احتیاط. ۳- بدون حبّ و بغض سخن راندن و عدم تأثیر پذیری از پیش فرض ها در داوری بسی مشکل است، لیکن هدف و تلاش نگارنده برای دست یابی به حقیقت، بر آن است تا بدون جانبداری و با روش علمی و منطقی و بر اساس اصول و ضوابط شناخته شده ی علم تفسیر، به نقد و ارزیابی تفسیر بیان السعاده بپردازد. ۴- در لابلای تفاسیر عرفانی گنجینه ها و ذخایر بسیار ارزشمندی نهفته است که شاید در طول تاریخ بیشتر از یک بار تکرار نشود و فراموشی و عدم توجه به آنها خسران بزرگی برای معارف بشری خواهد بود. عارفان مفسر این انسانهای پخته و گداخته حاصل عمر پر برکت خویش را در نگاشته های گران سنگ خویش به یادگار گذاشته اند و ما بر سر سفره ی این گنجینه های عظیم نشسته ایم و از آنها بهره می بریم. بنابر این، نقد و بررسی و دیدگاههای انتقادی به تفاسیر عرفانی نباید ما را از این موضوع غافل سازد و تواضع در برابر این بزرگان و سپاس گزاری از مساعی آنان نباید مورد غفلت قرار گیرد. لذا از آنجا که عنوان پایان نامه معطوف بر نقد و بررسی است، بدین جهت نقطه ضعف های این تفسیر بیشتر به رخ کشیده شده است و دیدگاه انتقادی بر او حاکم است و این به معنای عدم نقاط قوت در این تفسیر نیست، بلکه در این تفاسیر ظرایف و دقایق ادبی، عرفانی و اخلاقی فراوانی یافت می شود که بسیار مفید و ارزنده می باشد.

ساختار بحث ما در یک مقدمه و سه فصل سامان یافته است. در مقدمه به روش کارنگارنده، پیشینه، ضرورت و محدودیت های تحقیق اشاره شده است. در فصل اول به کلیات و مباحثی همچون: تحصیلات، استادان، مشایخ مآذون و تأویلات سلطان محمد گنابادی، تاریخچه فرقه گنابادیه و اقطاب آن، پیشینه شناسی تفسیر عرفانی، مهمتترین تفاسیر عرفانی مکتوب تا قرن چهاردهم، تفسیر عرفانی شیعه در قرن چهاردهم، ویژگیهای «تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده»، منابع بیان السعاده، تأثیر بیان السعاده بر تفاسیر دوره های بعد و صحت انتساب تفسیر بیان السعاده به سلطان محمد گنابادی پرداخته شده است. در فصل دوم مبانی زبان شناختی، مبانی عرفانی و فلسفی، و مبانی علوم قرآنی تفسیر بیان السعاده مورد نقد و

^۱ - آفاق الحضاره الاسلامیه، شماره ۱۱، اسفندماه ۱۳۸۱، ص ۳۷۲-۲۸۵

^۲ - دانشنامه قران و قران پژوهی، ج ۲، ص ۱۲۰۹

بررسی قرار گرفته است. در فصل سوّم گرایش ها و رویکرد های عرفانی و اخلاقی، ادبی، کلامی و فقهی به بحث و بررسی گذاشته شده است.

در پایان تشکر و سپاس خویش را از سر تواضع و فروتنی از استاد راهنما جناب آقای دکتر محمد کاظم شاکر که با صبر و بردباری سطر به سطر این پایان نامه را مطالعه و گام به گام همراه و در کنار نگارنده بوده و با راهنماییهای راه گشا، یادآوری های قابل توجه، اشارات سازنده و با انگشت تامل و پرسش بسیاری از نارسایی های رساله را مرتفع نمود و نکته سنجی ها و دقت های عالمانه وی در سامان یافتن این رساله نقش اساسی داشته، اعلام می دارم. از استادان فرهیخته آقایان دکتر سید رضا مؤدّب و دکتر احمد عابدی که با بزرگواری مشاوره این رساله را پذیرا شده و با یادآوری نکات و راهنمایی های ارزنده نویسنده را یاری کردند، بسیار سپاسگزارم و از خداوند کریم آرزوی بهروزی و سعادت برای همه ی آنان خواستارم .

همچنین از همسر فداکار و ایثارگرم و فرزندان عزیزم یاد و سپاس می کنم که بستر مناسب و محیطی گرم و آرام را فراهم کردند که نظام معنا گسسته نگردد و رشته اندیشه پاره نشود و این نوشته به سامان

برسد.

وَ آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الصَّلَاةُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۱ فصل اول: کلیّات

پیش درآمد

نگارنده در این فصل به عنوان مدخل و پیش درآمد رساله، به بحث و بررسی پیرامون زندگی نامه، تحصیلات، استادان سلطان علیشاه گنابادی، آشنایی با فرقه‌ی گنابادیه و سیر شکل‌گیری و رهبران آن تا عصر حاضر، معرفی تألیفات گنابادی، پیشینه‌شناسی و معرفی مهم‌ترین تفاسیر عرفانی مکتوب، افول و خمول دانش تفسیر عرفانی و سیر تطور آن، تفسیر عرفانی در قرن چهاردهم، معرفی اجمالی تفسیر «بیان السعاده فی مقامات العباد» با موضوعاتی مانند: مروری بر شیوه‌ی کار مؤلف، ویژگیهای این تفسیر، منابع آن، تأثیر گذاری بر تفاسیر دیگر و تأثیر پذیری آن از دیگر تفاسیر، منابع و صحت انتساب تفسیر «بیان السعاده» می‌پردازد. بایسته‌ی یاد کردنی است که توجه به زوایایی مختلف زندگی مؤلف و آشنایی با فرقه‌های صوفیه، اقطاب آنان، شکل‌گیری و انشعابات این فرقه‌ها و منتهی شدن آنها به فرقه‌ی گنابادیه، روشنگر بسیاری از حقایق مرتبط با مؤلف و افکار و اندیشه‌های ایشان می‌باشد. همچنین گفتنی است که فهم و درک درست بسیاری از اندیشه‌های عرفانی گنابادی، نیازمند آشنایی با افکار و آموزه‌های مفسران عرفانی و سیر نگارش تفاسیر عرفانی است. بدین جهت، در مباحث مقدماتی با تفصیل بیشتری به این دو موضوع پرداخته شده است.

۱.۱ زیست نامه‌ی سلطان علیشاه گنابادی

منابع مکتوب در ترجمه و شرح زندگی نامه‌ی ایشان بسیار است، ولی این منابع مستند به گزارش‌هایی است که به طور غالب یا از سوی مریدان وی و طرفداران فرقه‌ی گنابادیه نوشته شده است و یا از سوی مخالفان ایشان و معارضان با فرقه‌ی صوفیه، که هر دو، جانبداران ننگاشته شده و از جاده‌ی اعتدال خارج گشته‌اند. سلطان حسین تابنده یکی از بزرگان و اقطاب فرقه‌ی گنابادیه و نویسنده کتاب «تابغهی علم و عرفان» که شرح حال سلطان علیشاه است، یادآور می‌شود که برخی از نوشته‌ها مانند کتاب «رجوم الشیاطین» نوشته نور علی‌شاه، فرزند سلطان علیشاه و «شهیدیه» نوشته شیخ عباسعلی کیوان قزوینی^۱، خالی از حب و بغض و احساسات نیست و جنبه‌های بی‌طرفی در آنها رعایت نشده است^۲. همچنین استاد کیوان سمیعی که یکی از مریدان و شاگردان کیوان قزوینی است درباره‌ی نوشته‌های ایشان بعد از جدا شدن از فرقه‌ی گنابادیه و مخالفت با آنان چنین می‌نویسد: «اگر در طرفداری از مرحوم کیوان متعصب نباشیم باید بگوییم با همه‌ی وسعت فکر و شرح صدری که داشت در خصومت با فرقه‌ی گنابادی، گاه از جاده‌ی انصاف خارج می‌شد.»^۳

۱- شیخ عباسعلی کیوان قزوینی در سال ۱۲۷۷ ق در قزوین در یک خانواده روحانی چشم به جهان گشود و در نه سالگی به یادگیری علوم دینی اشتغال یافت. پس از چندی به تحقیق در احوال و افکار و آثار سلسله‌ی صوفیه پرداخت و سرانجام در سال ۱۳۱۳ ق به «بیدخت گناباد» رفت و با سلطان علیشاه گنابادی بیعت نمود راه و رسم صوفیه را بر گزید. در این طریق بسیار تلاش کرد و به مقام قطبیت رسید و به لقب «منصور علیشاه» ملقب گردید. وی به بیشتر نقاط ایران و کشورهای اسلامی مسافرت کرد و به تبلیغ تصوف می‌پرداخت، لکن در سال ۱۳۰۰ ق به عللی از تصوف روی بر گرداند و در ردّ سخنرانی‌ها و کتابهای نوشت. وی در اواخر عمر در تهران سکونت اختیار نموده و به تألیف پرداخت. کتابهای «کنوز الفوائد»، «رازگشا»، «تفسیر کیوان»، «استوار نامه»، «بهین سخن»، «دیوان شعر» از وی به یادگار مانده است.

۲- تابنده، سلطان حسین، نابغهی علم و عرفان، ص ۵۴۸

۳- سمیعی، کیوان، رساله ترجمه کیوان قزوینی در دو رساله در تاریخ جدید تصوف ایران، ص ۵

البته در این میان شاید اندک منابعی یافت شود که بدون ملاحظه‌ی حبّ و بغض نوشته شده باشد که آنها هم به کلیات زندگی ایشان پرداخته‌اند و از جزئیات غفلت نموده‌اند. نگارنده سعی کرده با اطلاع از همه‌ی منابع و نظرگاهها، با دیده‌ی عدل و انصاف زندگی مؤلف بیان السعاده را مرور نماید.

ملا سلطان محمد گنابادی ملقب به «سلطان علیشاه» یکی از صوفیان و مفسران قرآن کریم و بنیانگذار سلسله‌ی نعمت‌اللهی گنابادی است. بسیاری از نویسندگان به بزرگی و فضل از ایشان یاد کرده‌اند. اعتماد السلطنه در کتاب «المآثر و الآثار» می‌نویسد: «الحاج سلطان علی الجنابذی ما بین ظاهر و باطن فراهم آورده و معقول و منقول توأم ساخته؛ می‌گویند: امروز در طریقت، گروهی به او دست می‌دهند و سر می‌سپارند...»^۱

جناب محمد علی مدرس تبریزی نیز با احترام از ایشان یاد کرده و ایشان را از اکابر علما و عرفای قرن چهاردهم می‌داند که به جمع بین علوم ظاهر و باطن و معقول و منقول پرداخته است.^۲

جناب محمد معصوم شیرازی در کتاب «طرایق الحقایق»^۳ و آغا بزرگ طهرانی در «طبقات اعلام الشیعه»^۴ عین عبارت «مآثر و الآثار» را نقل کرده‌اند.

لیکن آغابزرگ طهرانی یادآور می‌شود که مریدان وی درباره‌ی او گرفتار غلو شده‌اند. کیوان قزوینی که در اواخر عمرش از صوفیگری عدول کرد و از فرقه گنابادی اعراض نمود و به افشاگری گسترده دست زد، وی را متهم به زیرکی، محافظه‌کاری، تصنعات^۵ و ادعای باطل و غیر واقعی می‌کند و فضل و دانش او را تایید می‌نماید: «من حق‌کشی نمی‌کنم که بگویم او عالم نبود یا صحیح‌العمل نبود فقط می‌گویم آنچه ادعا می‌کرد، نداشت.»^۶

ملاسلطان محمد فرزند ملاحیدر محمد می‌باشد. پدرش در یکی از یورش‌ها و غارتگریهای ترکمن‌ها به گناباد اسیر آنان گردیده و پس از مدتی اسارت، با تلاش‌های اقوام و پرداخت فدیة آزاد گردید و در روستای نوده سکونت اختیار کرد.^۷

در همان اوقات با جناب نور علیشاه اول ملاقات نموده و به دست وی، به فقر راه می‌یابد و جزو خرقة پوشان می‌گردد. آنگاه در سال ۱۲۵۴ ه.ق به قصد زیارت عتبات و رسیدن به حضور جناب حسینعلی شاه و تجدید عهد، از راه هندوستان رهسپار آن سامان شد؛ ولی دیگر از این سفر بازنگشت و برای همیشه مفقودالآثر گردید.^۸ سلطان علیشاه در ۲۸ جمادی الاول سال ۱۲۵۱ ه.ق در بیدخت گناباد قدم به عرصه‌ی وجود نهاد. در سه سالگی از دیدار پدر محروم گردید و تحت سرپرستی مادرش قرار گرفته و رشد و نمو

۱- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، مآثر و الآثار، ص ۷۷، باب دهم

۲- مدرس تبریزی، ریحانه‌الادب فی تراجم‌المعروفین بالکنیه و اللقب، ج ۱، ص ۴۳۱

۳- ج ۳، ص ۵۴۰

۴- ج ۱، ص ۸۲۴

۵- کیوان قزوینی، عباسعلی، رازگشا، به اهتمام محمود عباسی، ص ۱۱۵

۶- همان، ص ۲۱۳

۷- نوده از روستاهای بسیار کوچک گناباد است.

۸- سلطانی، گنابادی، محمدباقر، رهبران طریقت و عرفان، ص ۲۳۷